سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۶
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۲۲

صمد سامانیان [۱]، پردیس بهمنی [۲]، محمد تقی آشوری [۳]

چگونگی تأثیر نماد و اسطوره‌های کهن در طراحی و تزیین اشیای خانگی قرون اولیه اسلامی ایران (نمونه پژوهش: ظروف خانگی تا قرن پنجم هجری) [۴]

چکیده

در قرون اولیه اسلامی در ایران شاهد تشکیل حکومت‌های متقارنی هستیم که همگی با نام ایرانی داعیه حکومت داشته و سعی در احیای مظاهر هویت ایرانی داشته‌اند. اشیاء و ظروف خانگی به‌جا مانده از این زمان از جمله مظاهر مادی فرهنگ است. همچنین نماد و اسطوره‌های به‌کار رفته در طراحی این اشیاء، چه از دید شکل و فرم و چه از دید نقش و تزیین از جمله مظاهر معنوی جلوه‌گر شده در این آثار است. با بررسی فرم و نقش و تزیینات به‌کار رفته در اشیاء در دوره‌های تاریخی مختلف که یکی از جلوه‌های اعتقادات مردم است، می‌توان به چگونگی تأثیر نماد و اسطوره‌ها در طراحی اشیاء پی برد. در این مقاله به تبیین ارتباط میان نماد و اسطوره‌های کهن ایران و نقش‌پردازی‌های انجام شده در طراحی اشیای خانگی قرون اولیه اسلامی پرداخته شده است. هدف اصلی این مقاله، نمایاندن نقش نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی و جلوه‌گری آنها در شکل‌گیری و نقش‌پردازی ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی در ایران است. این تحقیق با این پرسش آغاز گردیده است که «نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی در طراحی و تزیین اشیاء چگونه تأثیر داشته است؟» روش تحقیق تاریخی-تطبیقی و تفسیر محتواست و به این منظور ابتدا اشیای خانگی این قرون به تفکیک ظروف سفالین، فلزی و شیشه‌ای معرفی و گونه‌شناسی می‌شوند. سپس به تحلیل نقش و تزیینات آنها پرداخته می شود. به‌عنوان نتیجه می‌توان به این نکته اشاره کرد که بیشتر نمادها و اسطوره‌های کهن از عناصر طبیعت اقتباس شده است که از میان آنها نقش آب و آتش پررنگ‌تر است. می‌توان تأثیر نماد و اسطوره‌های کهن ایرانیان را در سه گروه نمادهای مربوط به نور و آتش، نمادهای مربوط به آب و نمادهای معنایی جلوه‌گر شده در ظروف خانگی نشان داد.

کلیدواژه‌ها: نماد و اسطوره، تزیینات، اشیاء خانگی ایران، قرون اولیه اسلامی.

۱. دانشیار گروه آموزشی صنایع دستی، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران(نویسنده مسئول)
E-mail: samanian_ s@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران
E-mail: bahmanip@iust.ac.ir

۳. دانشیار گروه آموزشی پژوهش هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، استان تهران، شهر تهران
E-mail: taghi.ashouri@gmail.com

۴. این مقاله برگرفته از مطالعات رساله دکتری پژوهش هنر پردیس بهمنی در دانشگاه هنر با عنوان «مبانی طراحی و شکل‌گیری اشیاء در دوره اسلامی» به راهنمایی دکتر صمد سامانیان و مشاوره دکتر محمدتقی آشوری و دکتر سیدرضا مرتضایی است.

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

مقدمه

نمادهای جلوه‌گر شده در آثار فرهنگی هنری در جامعه عموماً از باورها و اعتقادات سرچشمه می‌گیرند که فرهنگ و پیشینهٔ فرهنگی در ساختار آنها تأثیر به‌سزایی دارد. در برخی جوامع این تأثیر بسیار عمیق و ملموس است و جامعه به اصول و هنجارهای قدیمی وفادار می‌ماند. در این میان چگونگی بروز و جلوه‌گری نماد و اسطوره‌های کهن در اشیای مورد استفاده در زندگی مردم اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در بسیاری از هنرهای سنتی گذشته نوعی ارتباط با طبیعت و جهان هستی و امر قدسی مشاهده می‌شود. گویی انسان طراح یا صنعتگر هنگامی که به آفرینش صنعتی و هنری دست می‌یازد، خود را با طبیعت و جهان هستی و خالق کل جهان هستی در ارتباط قرار می‌دهد. شاید بتوان گفت اهمیت نقش نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی در زندگی و هنر ایرانیان در گذشته تا اندازه‌ای بود که باعث پدید آمدن جامعه‌ای اسطوره‌باور و نمادپرور شده بود و هنر و زندگی از یکدیگر جدا نمی‌نمود. در چنین جامعه‌ای باورهای مردمان در اشیاء و ظروف جلوه‌گر بوده است. این امر اهمیت توجه به طراحی و نقوش به‌کار رفته در اشیاء را تبیین می‌نماید. زیرا اغلب از دید زیبایی‌شناسی و ظاهری به این نقوش پرداخته می‌شود، در حالی که توجه به وجه معنایی و نمادین این نقوش می‌تواند جهت نیل به چگونگی تفکر طراحی اهمیت بیشتری داشته باشد. شاید بتوان گفت نماد و اسطوره‌ها برگرفته از عوامل طبیعی هستند که در زندگی انسان‌ها تأثیرگذار بوده‌اند و مردم به ویژگی‌های خاصی در آن عناصر طبیعی باور دارند که باعث اهمیت یافتن نقوش نمادین و اسطوره‌های آنها شده است. در این مقاله سعی بر آن است تا چگونگی ادغام نماد و اسطوره‌های کهن در طراحی و تزیینات ظروف قرون اولیه اسلامی بررسی گردد.

در این خصوص که نماد و اسطوره‌ها چگونه می‌تواند در طراحی و تزیینات اشیاء جلوه‌گر شود، می‌توان گفت همه اشیای موجود در محیط زیست ما دارای فرم‌های ظاهری هستند که با تأثیر گذاشتن بر روی روان انسان‌ها موجب ادراک شدن خود می‌گردند. از آنجا که در فرآیند درک اشیاء در واقع در پی ارتباط برقرار نمودن با شیء هستیم، روبرت گویر[۱] می‌نویسد «ارتباط عبارت است از روشی که حداقل متضمن چهار عنصر است: ۱) تولیدکننده‌ای که ۲) علامت یا نمادی را ۳) برای حداقل یک دریافت‌کننده مطرح می‌کند ۴) و او درک معنی می‌کند» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲، ۴۶).

این فرآیند ارتباط، درخصوص طراحی اشیاء بدین شرح است: ۱) طراح؛ ۲) نشانه همراه شیء؛ ۳) استفاده کننده و ۴) معنی که استفاده‌گر درک می‌کند.

بر طبق نظریه ویکستروم[۲] عملکرد معنایی، طراح را آماده برقراری ارتباط با کاربر در قالب ارسال پیامی واضح به‌واسطه محصول می‌کند. تأثیرات متقابل مصنوعات و کاربران را تسهیل می‌کند و فرصت ابراز و تصریح عقاید را فراهم می‌سازد (Wikstrom, 1996). کریپندورف نیز در مورد معناشناسی محصول می‌گوید «معناشناسی محصول در نهایت از مطالعه و بررسی ارتباط موجود میان فرمی که طراح خلق کرده و معنایی که کاربر خلق می‌کند، به‌وجود می‌آید» (Krippendorff, 1997).«انسان به‌وسیله هنر توانست در هر فرصتی به نقش‌اندازی بپردازد و آمال و آرزوها و پیام‌ها و اندیشه‌های خود را که سرشار از نیازهای ذهنی، غریزه‌های نفسانی و نیز احساس و ادراک زیبایی‌شناسی بود، به آیندگان انتقال دهد»(کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹، ۸۶). با توجه به این سه گفتار، اگر فرم و طراحی محصولات را شامل تمامی نقش و شکل‌های قابل ادراک در محصول بدانیم، این ایده کلی شکل می‌گیرد که نماد و اسطوره‌های مردم، در طراحی اشیایی

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

که استفاده می‌نمایند تأثیر دارد. در نتیجه در تجزیه و تحلیل اشیاء باید به مبانی اندیشه و نماد و اسطوره‌های هنرمندی که شیء را تولید نموده است و مردمی که می‌خواهند از شیء استفاده کنند، توجه کرد. شاید بتوان بر این گفته تأکید کرد که «هر هنرمندی به زبان اسلاف خویش سخن می‌گوید و مدت زمانی می‌گذرد تا به صدای خودش آغاز سخن کند» (هاوزر، ۱۳۸۲، ۲۴۸).

در نتیجه فرضیه این تحقیق چنین است «نقوش نمادین و اسطوره‌های کهن در طراحی و تزیین ظروف خانگی قرون اولیه هجری به‌کار رفته است». این امر علاوه بر حفظ عناصر سنتی و کهن، با افزودن ارزش‌های اسلامی باعث تداوم طراحی در این قرون بوده است. هدف این تحقیق عبارت است از بررسی جایگاه نماد و اسطوره‌های ایرانی قبل از اسلام که در ظروف خانگی قرون اولیه هجری جلوه‌گر شده است.

پیشینه تحقیق

جهت بررسی پیشینه تحقیق سعی شده است با توجه به ماهیت میان‌رشته‌ای بودن موضوع این تحقیق که با مفاهیم رشته‌های صنایع دستی و طراحی صنعتی ارتباطی توأمان دارد، اطلاعات از بخش وسیعی از کتاب‌های تاریخی، هنری جمع‌آوری شود. زیرا نمونه‌های پژوهش جزو رشته صنایع دستی به‌حساب می‌آیند، اما از دید مبانی نظری، ارتباط اشیاء و استفاده‌گر جزو مواردی هستند که طراحی صنعتی به آن می‌پردازد. در بررسی اشیاء و آثار تاریخی می‌توان به جنبه‌های مختلفی از جمله فن و تکنیک، تزیینات و نقش‌مایه‌ها، مواد و روش‌های ساخت توجه نمود که از این میان این مقاله به تزیینات و نقش‌مایه‌ها توجه دارد. هرچند در مورد رخدادهای تاریخی در این قرون کتاب‌های بسیاری وجود دارد، اما توجه به مواردی که در طراحی اشیاء و مخصوصاً طراحی ظروف خانگی تأثیرگذار باشد، بسیار اندک اتفاق افتاده است. داده‌های تحقیق در مورد ویژگی‌های ظروف خانگی در این قرون از اندک اشاراتی که به ظروف خانگی در گستره کتاب‌های تاریخی، اجتماعی و هنری شده است، جمع‌آوری گردیده است.

در این میان در مورد بازه زمانی تحقیق و تأثیر نماد و اسطوره‌ها بر هنر ایران می‌توان گفت نویسندگانی چون حسن پیرنیا (*عصر اساطیری ایران*)، منصور رستگار فسایی (*پیکرگردانی در اساطیر*)، عباس زمانی (*تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، طرح ارابسک در آثار تاریخی اسلامی ایران و خط کوفی تزیینی در آثار تاریخی ایران*)، ژاله آموزگار (*تاریخ اساطیری ایران*)، جان راسل هینلز (*شناخت اساطیر ایران، اسطوره‌های ایرانی*)، وستا سرخوش کرتیس (*اسطوره‌های ایرانی*)، تحقیقات و مطالعات بیشتری نسبت به سایرین انجام داده‌اند. با این حال نمونه‌های پژوهش بیشتر این نویسندگان معماری و اسطوره‌شناسی از دیدگاه ادبیات کهن است. البته نویسندگانی چون عزت‌الله نگهبان (*هنر فلزکاری در ایران*)، آدام متز (*تمدن اسلامی در قرن ۴ هجری یا رنسانس اسلامی*)، ریچل وارد (*فلزکاری اسلامی*)، سیدنی کلداشتاین (*مجموعه هنر اسلامی، شیشه*)، سیف‌الله کامبخش‌فرد (*سفال و سفالگری در ایران*)، محمد یوسف کیانی (*پیشینه سفالگری در ایران*)، برتولد اشپولر (*تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*)، ارنست کونر (*هنر اسلامی*)، اولک گرابار (*شکل‌گیری هنر اسلامی*)، ریچارد فرای (*بخارا، سامانیان، عصر زرین فرهنگ ایران*)، ریچارد اتینگهاوزن (*اوج‌های درخشان هنر ایران*)، باربارا برند (*هنر اسلامی*) و شیلا بلر (*تصویری از بهشت در هنر اسلامی*) بیشتر به آثار هنری در ایران اسلامی پرداخته‌اند. همچنین در مورد زیبایی‌شناسی برخی از این ظروف با تأکید بر وجه صنایع دستی آنها، مقالاتی نگاشته شده

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

است به‌عنوان مثال مقاله ابوتراب احمدپناه که درباره زیبایی شناسی سفال‌های نیشابور نگاشته شده است. در مورد نمونه‌های این پژوهش به‌عنوان ظروف خانگی و از دید مفاهیم نمادین و اسطوره‌ای، تحقیقات مرتبط کمتری انجام شده است.

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق بر اساس هدف، تاریخی-تطبیقی و تحلیل محتوا است. از آنجا که این تحقیق در جستجوی کشف حقایق و شناخت ارتباط و تأثیر نمادها و اسطوره‌های کهن بر کاربرد و نقش و فرم ظروف بوده و به تبیین ویژگی‌ها و صفات آنها می‌پردازد، بر اساس ماهیت و روش از نوع تاریخی و توصیفی است. با توجه به اینکه در تحقیقات کیفی رویکرد تفسیری مورد استفاده قرار می‌گیرد و بر مثلث‌سازی[۳] تأکید می‌شود، با استفاده از نظر پژوهندگان و مدارک معتبر می‌توان ویژگی‌های عمومی و مشترک نمادها و اسطوره‌های کهن ایرانی را تبیین و صفات آنها را مطالعه نمود و ارتباط آنها را با طراحی یعنی چگونگی شکل و فرم و نقش ظروف بررسی کرد. روش گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه، منابع مکتوب، شفاهی، تصویری و الکترونیکی صورت گرفته است. پس از شناسایی انواع ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی تا قرن پنجم هجری در ایران با توجه به نظر پژوهشگران، نمادها و اسطوره‌های کهن ایرانی جلوه‌گر شده بر طراحی ظروف، بررسی شده و ارتباط آنها با طراحی ظروف مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه آماری از میان ظروف سفالین، فلزی و شیشه‌ای موزه‌های ملی ایران، آبگینه و سفالینه و رضا عباسی به روش خوشه‌ای هدفمند، تعیین گردیده است. این مقاله بر اساس پرسش زیر شکل گرفته است: نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی در طراحی و تزیین اشیاء چه تأثیری داشته است؟

تعریف مفهومی واژه‌های کلیدی تحقیق

- نماد: با توجه به نظر نمادشناسان، «نماد عبارت است از چیزی مرتبط با چیزی دیگر که به آن معنا می‌بخشد یا نماینده آن است» (گوبران، ۱۳۷۸، ۲۴). «نماد شخصیت دادن و مشخص کردن شیء به جهت تداعی معانی است و قدرت نماد، زاییده کثرت و پایان‌ناپذیری ظاهری مفهوم است» (هاوزر، ۱۳۸۲، ۶۳). «نماد به سادگی چیزی است که به‌جای چیز دیگر به‌کار می‌رود و نشانه آن است یا بر آن دلالت دارد» (هال، ۱۳۸۳، ۱۴).

- اسطوره: «اسطوره‌شناسی ایده را در فرم‌ها بررسی می‌کند» (بارت، ۱۳۸۴، ۳۵). «اسطوره‌ها به‌طور کلی پیش‌کسوت‌های الهی یا قهرمانی تعریف شده‌اند و دارای یک کارکرد نمونه‌ای هستند. آنها پیوستگی میان مطالب شناخته و ناشناخته، گذشته و حال، جهان خدایان و جهان بشری را برقرار می‌سازند» (لیک، ۱۳۸۵، ۱۳). «اسطوره‌ها واژه‌نامه مصور ارتباط هستند، ارتباطی که از درون، از حیطه انرژی‌های ما می‌جوشد و به حیطه خودآگاهی عقلایی می‌رسد» (کمبل، ۱۳۸۳، ۱۱). در این تحقیق، منظور، نقش‌پردازی‌هایی برگرفته از فرهنگ قبل از اسلام در ایران است که مردم همچنان با وجود قبول دین جدید در دل به آن باور داشته‌اند.

- طراحی: از آنجا که شکل محصول، اولین کنش ارتباطی آن است (Pilditch, 1970, 25)، تزیین برای ارتباط لازم است (بهشتی، ۱۳۸۲، ۱۴۰) و تزیین از کاربرد جدا نیست (بهنام، ۱۳۴۳، ۷)، منظور از طراحی در این تحقیق مظاهر شکلی و فرمی و تزیینی در ساختمان ظروف خانگی است.

- ظروف خانگی: از انواع اشیایی که در خانه استفاده می‌شود مانند پوشاک، لوازم خواب و

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

استراحت، وسایل نشستن، وسایل آماده‌سازی مانند اجاق یا کوره، اشیای آیینی، اشیای تزیینی و یا سرگرمی و...، گروه ظروف خانگی مد نظر قرار می‌گیرد. بخش ظروف خانگی به‌دلیل تنوع عملکردهای آن بیشترین تعداد اشیای خانگی را به‌خود اختصاص می‌دهد» (Burdek, 2005, 143)؛ زیرا «هر شخص معمولا بیشترین زمان استراحت خود را در خانه می‌گذراند و به‌دلیل شدت ارتباطی که به‌لحاظ زمان صرف شده در آشپزخانه وجود دارد، اشیاء این بخش اهمیت خاصی با استفاده‌گر دارند» (محمدی‌نژاد، ۱۳۸۱، ۶). طبق لغت‌نامه دهخدا ظرف یعنی «جای چیزی؛ آنچه در آن چیزی نهند» و جمع آن ظروف است. در نتیجه ظروف خانگی آن دسته از اشیای خانگی کاربردی هستند که تمامی اعضای خانواده به‌صورت عمومی از آنها به‌جهت وسیله‌ای برای نوشیدن و یا خوردن استفاده می‌نمایند و در آنها چیزی از جمله نوشیدنی و خوردنی قرار می‌دهند و اشیاء و ظروفی که عمدتاً استفاده شخصی داشته باشند مانند عطردان‌ها در این گروه جای ندارند. علاوه بر این اشیای علمی نیز مانند اسطرلاب و وسایل پزشکی در گروه بررسی‌های این مقاله قرار ندارند.

گونه‌شناسی ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی ایران تا قرن پنجم هجری (نمونه‌های پژوهش)

ظروف خانگی در قرون اولیه اسلامی ایران علاوه بر اینکه در گروه اشیای هنری شیشه‌ای، سفالین و فلزی قرار می‌گیرند جلوه‌های هنرهای دیگر نظیر خوشنویسی، نقاشی و ادبیات را بازمی‌تاباند. در نتیجهٔ غنای تصویری به‌همراه کیفیت‌های گرافیکی، اشیاء به‌عنوان رسانه‌ای در زندگی اقشار مختلف جامعه ارزش مضاعف پیدا کرده است. این در حالی است که برخی از ظروف به‌صورت سفارش امیران و یا هدایا مورد استفاده بوده‌اند و در اینجا نیز نقش نمادین این ظروف قابل توجه است.

ظروف سفالی: «کشاورزان وقتی بر طبیعت غلبه کردند، دانه کشتند و حیوانات را رام کردند، برای دانه‌ها و پختن گوشت حیوانات به گل شکل بخشیدند و به آن حرارت دادند و بدین‌وسیله ظروف سفالی را ساختند» (زمانی، ۱۳۵۵، ۱۹۹). «برای قضاوت سطح هنر مردم یک کشور، باید از روی سفال آن کشور در مورد ظرافت احساس آنها داوری کرد» (رید، ۱۳۸۸، ۲۴). در قرون اسلامی ساختن ظروف سفالی در ایران بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت زیرا «در این قرون به‌خصوص اوایل آن غذا خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره، مکروه و حتی حرام بود. به‌همین جهت سفال‌سازان سعی کردند هنر خود را تکمیل کنند و حتی تصمیم گرفتند ظروف سفالینی بسازند که تلألؤ طلا داشته باشد» (زمانی، ۱۳۵۵، ۲۰۰). به‌خصوص در دوره سامانی سفالگران تصورات و برداشت‌های ذهنی خود را از طبیعت به تصویر کشیده و از تقلید محض پرهیز کرده‌اند و شاید این، ایده‌آل اغلب هنرمندان بزرگ باشد (وایه، ۱۳۶۳، ۶۸). این از خصوصیات سفال‌های سامانی است که در عین کاربردی بودن یک هنر تزیینی است.

بیشترین نقوش نمادین در بین مراکز سفالگری ری، گرگان، نیشابور، شوش، سیراف و... به سفال‌هایی با نقاشی زیرلعاب تعلق دارد. در میان آثار این قرون، سفال‌های نیشابور شهرت خاصی دارند که همراه با نوشته‌های کوفی هستند. «آزادمنشی، طلب‌روزی از خداوند، تقسیم روزی، صبر و شکیبایی، شکر و سپاس خداوند، تنگدستی و توانگری، حرص و قناعت، برکت، شادی، بخشش و گشاده‌دستی، نیاز و احتیاج، تعلق و تفکر و اندیشه از جمله مفاهیمی است که در نوشته‌های

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

تزیینی ظروف مشاهده می‌گردد» (احمدپناه، ۱۳۸۰، ۱۴). فرهنگ و سنن و اعتقادات مردم خراسان در نقش‌پردازی این ظروف نقش به‌خصوصی داشته است. «نیشابور به مناسبت نام تیره‌ای از طایفه‌های پارتی، ابرشهر یعنی شهر برجسته و ممتاز نیز نامیده شده است» (افشار سیستانی، ۱۳۸۲، ۶۰۹). نیشابور از مهمترین مراکز جمعیتی، فرهنگی، گردشگری، صنعتی و تاریخی شمال شرق ایران به‌شمار می‌آید و به‌عنوان یکی از نمادهای تاریخ و فرهنگ ایران مطرح شده است.

ظروف شیشه‌ای: از منظر ظروف شیشه‌ای نیز «هنر شیشه‌گری در قرون اسلامی شامل تزیین شیشه‌های برجسته و کنده‌کاری بر روی سنگ‌های شیشه‌ای است. این هنرها در مدت بسیار کوتاه دارای شهرت و اعتبار گردید» (کلداشتاین، ۱۳۸۷، ۱۷). «نقش‌های روی شیشه را عموماً حیوانات، گیاهان و به‌خصوص پرندگان تشکیل می‌دهند» (فوکایی، ۱۳۷۱، ۵۶). «طرح کندوی عسل و خطوط برجسته قالبی و کتابت به خط عربی از تزیینات آنها است. یک دسته دیگر از ظروف شیشه اوایل قرون اسلامی دارای تزیین مهری است که معمولاً شامل طرح‌های ترنجی مدور و اشکال حیوانات است و تزیین ظروف شیشه به‌وسیله دوایر یا خطوط باریک که به ظرف اضافه شده است» (دیماند، ۱۳۶۵، ۲۱۵). از مواردی که می‌توان از لحاظ شباهت تزیینات در ظروف شیشه‌ای ذکر کرد تزیینات با رشته‌های شیشه‌ای افزوده است که معمولاً در پایین گردن صراحی‌ها و تنگ‌ها وجود دارد که علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناسانه، به‌وضوح جهت رفع نیازهای ارگونومیک جهت به دست‌گیری آسان این ظروف است.

ظروف فلزی: «در کتاب مینوی خرد آمده است که فلز از بدن کیومرث آفریده شد فلزات که از آنها سلاح ساخته می‌شود مورد حمایت یکی از امشاسپندان[۴] به نام زیساترا[۵] قرار دارند. ماهی از سال نیز (شهریور به‌معنای شهریاری مقبول) به آن اختصاص دارد» (هینلز، ۱۳۸۸، ۹۳). در قرون اولیه اسلامی هنرمندان «ظروف فلزی را با مناظر بزم و رزم و شکار برگرفته از هنر ساسانی و به حمایت و تشویق امیران محلی می‌آراستند» (احسانی، ۱۳۸۲، ۱۳۳). از طرفی «در روش فلزکاری قرون اسلامی ایران، نسبت به قرون ساسانی تغییرات ناگهانی روی نداده است. زیرا اعراب کسی را مجبور به ایجاد اشیاء با روش مخصوصی نکرده‌اند و طبعاً هنر فلزکاری مانند سایر رشته‌های هنری به‌کار خود ادامه داده است» (زمانی، ۱۳۵۵، ۱۶۷). در این خصوص «ظروف نقره با تصاویر حیوانات و پرندگان یک دسته مهم از فلزکاری اسلامی‌اند و برگ‌های مدور نخلی قلبی‌شکل از خصوصیات طرح‌های تزیینی گیاهی است که فواصل تصاویر را پر کرده است» (دیماند، ۱۳۶۵، ۱۳۵). با این وجود کراهت خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره باعث شد که جنبه نمادین این ظروف بیش از کاربرد خاص آنها مد نظر قرار گیرد. «اسباب آشپزخانه را اغلب از برنج می‌ساختند. ناصر خسرو وصف سبوهایی که گویا زرین به‌چشم می‌آمدند را ارائه داده است» (متز، ۱۳۶۲، ۱۲۶).

نظر به گستردگی اشیای خانگی و نقش و نمادهای آنها به‌طور کلی، در جدول ۱ با توجه به طبقه‌بندی که برای نمادها در نظر می‌گیریم و عبارت از نمادهای حیوانی، گیاهی، هندسی و انسانی، است. در هر گروه نمادهایی که در ظروف خانگی این قرون به‌کار برده شده است، به تفکیک بیان شده و تعداد و فراوانی آنها با توجه به نوع ظرف قید شده در ردیف عمودی درج شده است. در مجموع از تعداد ۲۵۹ ظرف موجود در موزه‌های ملی ایران، آبگینه و سفالینه و رضا عباسی، تعداد ۱۵۳ ظرف که دارای نمادهای شکلی و فرمی بوده‌اند طبق اصول نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شد که این ظروف در جدول شماره ۱ طبقه‌بندی گردیده است. در این شمارش، گاه در یک ظرف

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

بیش از یک نمونه از نمادها وجود داشته است در نتیجه تعداد نمادها از تعداد ظروف بیشتر است. به‌عنوان مثال در بشقابی ممکن است هم نماد هندسی دیده شود و هم نماد گیاهی یا حیوانی. در این مورد هر کدام از نمادها به‌طور جداگانه شمارش شده‌اند.

جدول ۱. فراوانی ظروف و نمادهای به‌کار رفته در آنها در قرون اولیه اسلامی ایران

نوع ظروف	تعداد	نقوش حیوانی					نقوش گیاهی			نقوش هندسی			نقوش انسانی		نقوش اسطوره‌ای	
		بز	پرنده	پلنگ	سگ	ماهی	درخت	نیلوفر	اسلیمی	مثلث	دایره	خطی	شکار	بزم	آناهیتا	سیمرغ
کاسه	۴۵	۳	۸	۲		۲			۷	۲	۸				۲	۱
بشقاب	۳۶	۱	۱۳	۶	۴		۲	۱	۸	۲	۶	۲	۴	۳	۱	۳
پارچ	۶۰	۴	۵				۱		۴	۴	۶	۲			۱	
لیوان	۹									۱		۲				
ریتون	۹	۲	۱	۳												۲
دیگ	۳		۲										۲	۱		

منبع: نگارندگان

نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی

به قول استوارت هال «هویت پدیده‌ای نیست که از پیش شکل گرفته شده باشد بلکه هویت چیزی است که هر لحظه در زمان تولید می‌شود و هرگز کامل نمی‌گردد» (به نقل از آسا برگر، ۱۳۷۹، ۴۷). اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از نشانه و نمادها بگیریم که مردم جامعه برای ارتباط با یکدیگر در میان خود به‌کار می‌برند، «این نشانه‌ها و نمادهای فرهنگی در زندگی اجتماعی به دو صورت از راه عناصر مادی (ابزار و اشیاء) و عناصر غیرمادی (زبان و ادبیات) تجلی می‌کرده است» (همان، ۵۴). «عمل متقابل و پیوسته میان انسان و محیط طبیعی همیشه از خصوصیات زندگی در قرون اسلامی بوده است» (آرام، ۱۳۶۶، ۲۳۳). در این راستا «اسطوره متضمن نیروی پویا و کارساز در پیشبرد مقاصد و آرمان‌های اجتماعی و فرهنگی است، اسطوره‌ها را باید حکایاتی دانست که سعی دارند در پرتو منطقی خاص تقابل میان فرهنگ و طبیعت را حل نمایند» (ضیمران، ۱۳۸۳، ۲۵). «هنرهای سنتی از زیبایی و دل‌آرایی طبیعت زنده و انسان سرزنده سرشار است و به همین خاطر هرچه را که برای زندگی مفید است «زیبا» می‌داند» (مددپور، ۱۳۸۷، ۱۴۱). در اشیای خانگی ایران کهن نیز چنین تفکری مشاهده می‌شود.

«ایرانیان باستان جهان را همچون بشقابی تصور می‌کردند که همچون صخره‌ای از الماس در شکل اصلی خود بوده، ولی با ورود شر (اهریمن) آرامش آن درهم شکسته شد. اهریمن آسمان را شکافته و وارد آن شد و سپس به آب فرو رفت و به میان زمین تاخت و آن را به لرزه در آورد و

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

بر اثر آن کوه‌ها از زمین بیرون شدند.... » (هینلز، ۱۳۸۸، ۲۳). این بخشی از بن‌مایه اسطوره ایران پیش از زرتشت است. «ایرانیان قدیم همواره با تاریکی و ظلمت در ستیز بوده‌اند و بالطبع توجه به نور اساس هنر آنان را تشکیل می‌دهد» (مددپور، ۱۳۸۷، ۱۰۴). تاریخ اسطوره‌ای ایران تاریخی دوازده هزار ساله است که به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌شود. دوره اول، قرونی مینویی و سراسر نور است. در دوره دوم با مواجهه نور و تاریکی، ماده تولید می‌شود و در دوره سوم اولین نوع بشر و کیانیان[۶] و بسیاری از شخصیت‌های اسطوره‌ای به‌وجود می‌آیند. در نهایت دوره چهارم است که تقریباً با دوران تاریخی امروزی قابل تطبیق است. ابتدای دوره چهارم با زرتشت شروع می‌شود و در پایان آن سوشیانس[۷] ظهور می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۴). بر خلاف ادیان هلنی، زرتشتیان در مقایسه با روح، ماده را زشت نمی‌انگارند بلکه از نظر آنان روح و ماده باید در هماهنگی کامل با هم قرار گیرند تا زندگی دلخواه و مطلوب ایجاد گردد (هینلز، ۱۳۸۸، ۶۰). زرتشت در اصل تنها بر خلق اسطوره‌های تازه تأکید نمی‌کرد بلکه در تفاسیر خود اساطیر قدیمی‌تری را نیز می‌گنجانید. شاید مشخصه ویژه آموخته او، تأکید بر بخش فردی و درونی مذهب است (هینلز، ۱۳۸۸، ۹). در آیین زرتشتی اگر پیکره‌ای بسازند و آن را از اصل آن جدا کنند باید در رستاخیز در آن جان بدمند پس در زمان هخامنشیان پیکره‌ها در حد نقش برجسته است و از سنگ اصلی جدا نیست. در آیین زرتشتی ایران پس از اهورامزدا که آفریننده بزرگ مخلوقات است، امشاسپندان نیز ستایش می‌شوند. هر کدام از ایشان به یک جزء طبیعی اطلاق می‌شود و آن را پشتیبانی می‌کند «آتش، گاو، فلزات، زمین، آب‌ها و گیاهان از جمله مظاهر مورد ستایش در آیین زرتشتی است» (هینلز، ۱۳۸۸، ۹۳).

نمادهای عوامل طبیعی: برخی از نمادها و اسطوره‌ها آنقدر اثرات مهمی در زندگی انسان‌ها داشته‌اند که در زمان‌های طولانی و فرهنگ‌های مختلف به آنها اشاره شده است. مانند آب که اعتقاد به اینکه منشأ حیات در آب‌هاست در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی مشترک بود. پیدایش این اعتقاد در مورد اقوامی مثل ساکنان دره نیل، فرات یا دره سند بسیار طبیعی است، زیرا در این سرزمین‌ها چه به‌صورت باران‌های موسمی و چه به‌صورت رودهای دائمی بدیهی و لازمه افزایش رستنی‌هاست. «آناهیتا ایزد بانوی آب‌ها در آیین کهن است. سوار بر ارابه‌ای که چهار اسب آن را هدایت می‌کنند: باد، باران، ابر، برف» (هینلز، ۱۳۸۸، ۲۷-۳۰). ثروت و نعمت و برودت همه با آب گره خورده است (میشل و گراب، ۱۳۷۹، ۱۵۶). آب نماد عقل و خرد هم هست. در واقع آب، مایع شده نور است. ما غالباً از نور معرفت مثال می‌زنیم. در این صورت است که آب ویژگی حکمت نور را به ارث می‌برد. برای همین «کسانی که به نور معرفت یا حکمت دست یافته‌اند به‌نحوی تصور می‌شود که از روی آب رد می‌شوند» (گوبران، ۱۳۷۸، ۶). «خطوط موازی و هاشورهای مورب از قدیم به مفهوم آب و زمین‌های زراعی بوده است» (کیانی، ۱۳۷۹، ۱۱۰).

«خورشید یا دایره نشانه از فر اهورامزدا بود و در سراسر آثار باستانی حتی در قسمت میانی درفش کاویانی (فروهر) نماد پیروزی ایرانیان است. چرا که حلقه یا دایره نشانه وعده‌ای است که اهورامزدا به پیروزی و فر دائمی ایرانیان داده است و بال‌های متصل به حلقه در تصویر فروهر نمادی از این میثاق الهی است. بال‌های با سه ردیف خود یادآور کردار نیک، اندیشه نیک و گفتار نیک است» (خلج امیر حسینی، ۱۳۸۷، ۱۵). «در اساطیر ایران دایره، کره و نیمکره نماد میترا و مربع و مکعب مبین اهورامزدا هستند. مثلث متساوی‌الاضلاع نماد هماهنگی و تناسب و باروری است و گاهی مفهوم زمین را می‌رساند. اگر رأس آن به طرف بالا باشد نماد آتش و جنس مذکر

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

و اگر رأس پایین باشد نماد آب و جنس مؤنث است. در نتیجه در اساطیر ایرانی مثلث نشانی از آناهیتا است» (افشارمهاجر، ۱۳۷۹، ۶۱). همچنین «خورشید بیشترین شرایط و ویژگی‌های مهر، خدای باستانی را دارد و پیروزمند، بخشنده و مبدأ حیات مهری است که مادری پاک چون آناهیتا دارد» (خلج امیر حسینی، ۱۳۸۷، ۱۴). قابل ذکر است که نمادهای برگرفته شده از عوامل طبیعی، بیشتر در قالب نمادهای هندسی تجلی یافته‌اند.

نمادهای گیاهی: رویش هزار شاخه از درخت هزار تخمه در هنگامی که سیمرغ به پرواز در می‌آید نشانه چیده شدن میوه‌ها و به ثمر رسیدن تجربه‌هاست و شکستن شاخه‌ها در هنگام نشستن نشان پرباری و میوه‌داری و ثمربخشی اوست (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۴۳). «نیلوفر نیز مصداق انسانی است که به وحدانیت رسیده و با خداوند یکی شده است. خداوندی که از دیرباز در قالب تصویر نمادین خورشیدی متصور می‌شد که وجه تشابه فراوانی با نیلوفر داشته است» (خلج امیر حسینی، ۱۳۸۷، ۱۸). نیلوفر یعنی شکفتن معنوی، زیرا ریشه‌هایش در لجن است و با این حال به سمت بالا و آسمان می‌روید، از آب‌های تیره خارج می‌شود و گل‌هایش زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می‌کنند. (میشل و گراب، ۱۳۷۹، ۱۵۴). این در حالی است که به نظر اُلگ گرابار اولین و مهمترین نوع تزیینات عبارت است از نقوش گیاهی و «برگ نخل، نیم‌برگ نخل، برگ مو و خوشه‌ها و آذین گل سرخی در میان تزیینات گیاهی غالب است» (گرابار، ۱۳۷۹، ۲۱۵). از طرفی «نیلوفر، نماد کمال زیبایی است. زیرا برگ‌ها، گل‌ها و میوه‌اش دایره‌ای شکل‌اند» (ولف، ۱۳۷۲، ۳۴۸). هم‌چنین نیلوفر نماد آب و پاکی است.

نمادهای حیوانی: «شیر در حالات مختلف رایج‌ترین آذینه در جواهرسازی هخامنشی است» (پرادا، ۱۳۸۳، ۲۷). همچنین اسب، قوچ و گراز از تجسم‌های ایزد بهرام‌اند[۸] (فریه، ۱۳۸۴، ۱۵۳). دین ایرانیان باستان جایگاهی مقدس برای کشاورزی و پرورش حیوانات قائل است. کما اینکه در بخش‌های مختلف اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان و متون فارسی میانه اشارات متعددی به حیوانات، توصیف و طبقه‌بندی آنها دیده می‌شود. به‌سبب وجود بز کوهی در نقاط مختلف ایران، «تصویر آن به شکل‌های واقع‌گرایانه، انتزاعی، نمادین و به‌صورت ساده یا بال‌دار، به‌وفور بر سفال‌ها، مُهرها و آثار زینتی بازمانده از قرون قدیم در ایران و بین‌النهرین به‌کار رفته است» (پرادا، ۱۳۸۳، ۲۵). «سروش[۹] نیز به شکل خروس و ایزد مهر به سیمای چوپانی نیرومند درمی‌آید. سروش در داستان کیومرث به‌صورت پری پلنگینه‌پوش بر کیومرث آشکار می‌شود» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۴۷). در تاریخ بلعمی و در حدیث پادشاهی کیومرث، به خروس سفید و غلبه او بر مار در ضمن آوردن داستانی اشاره شده است و نیز می‌نویسد «عجم خروس را و بانگ او را به وقت نیکو خجسته دارند، خاصه سفید و گویند در خانه‌ای که او باشد دیو در نیاید» (صبا، ۱۳۸۴، ۶۴). «شیر در تمدن‌های باستانی به‌عنوان سمبل قدرت و سلطنت به‌کار می‌رفته است و با قدرت خورشید برابر پنداشته می‌شده است» (جابز، ۱۳۷۹، ۷۶). «حیوانات شاخ‌دار نیز به‌عنوان یکی از حاکمان آسمان‌ها و در فرهنگ نجومی صورت فلکی جدی یا دی‌ماه هستند» (کیانی، ۱۳۷۹، ۷۶). «دو مرغ در طرفین یک گیاه از نقش‌های مشخص ساسانی است که همچنان در طراحی یک ابریق فلزی این قرون مشاهده می‌شود. همچنین عقاب با سر نیم‌رخ که زنی را دربردارد در سینی ساسانی و جام سفالی اسلامی یکسان نقش‌پردازی شده است» (زمانی، ۱۳۵۵، ۱۷۴). «سگ نیز نقش بسیار مهمی در جهان مینوی دارد. وی نگهبان روان درستکاران است و آن کس که بر مبنای اَشا[۱۰] بیندیشد، سخن گوید و عمل کند روانش در پناه این حیوان خواهد بود. سگ روان پیروان

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

زرتشت را از هنگام مرگ تا پس از گزار از چینود پل[۱۱] همراهی می‌کند» (Jamasb, 1907).

نمادهای انسانی: «صورت‌نگاری از شکارچیان در پشت اسب، حاکمانی در جلوس و رقصندگان در میان حیوانات و پرندگان از جمله نقوش خاص سفال‌های نیشابور است که می‌توان برای آنها قرینه‌های ظاهری خاصی با آثار فلزی و سفالین ساسانی یافت. از جمله این نقوش داستان بهرام گور و سازنن او آزاده در فلزکاری و پارچه‌بافی و سفال‌سازی قرون اسلامی مورد توجه بوده است» (زمانی، ۱۳۵۵، ۲۳). کاسه‌ای با نقش شاه (شکار- تاج‌گذاری) فقط به‌صورت تقلیدی از روی آثار قدیمی ساخته می‌شد (اشپولر، ۱۳۶۹، جلد دوم، ۱۷).

از جمله مفاهیم مهم در آیین ایران باستان تقدس آتش و آب است. این دو عنصر گستره بزرگی از نمادپردازی‌ها را شامل می‌شوند مانند بز، آناهیتا، ماهی، پرندگان آبی، ماه و در پی آن دایره برای آب، و شیر، دایره، عقاب، ستاره برای آتش و خورشید. فصل مشترک این دو سیمرغ است که اسطوره‌های خاصی در ایران باستان دارد. «سیمرغ به‌عنوان پدیده‌ای شگرف چند خصوصیت دارد «طبیب و دانا، غیب‌دان و رازشناس، حامی زال و خاندان او، سخن می‌گوید، برای زال نقش پدر یا مادر دارد، همین که پر او را می‌سوزاند به یاری او حاضر می‌شود، انتقام‌گیر است و اسفندیار را که جفت او را کشته به‌دست رستم به قتل می‌رساند» (جنیدی، ۱۳۸۶، ۱۱۴). البته در جای دیگر «این سیمرغ با آناهیتا ایزدبانوی آب‌ها و پیروزی، مقایسه شده است و برای آن خصوصیات مادینه فرض شده است» (تقی، ۱۳۹۰، ۳۵۶).

«از اشارات مختصر و پراکنده‌ای که در منابع وجود دارد می‌توان چنین پنداشت که اکثریت مردم واحه بخارا آیین محلی خاصی داشته‌اند که در آن شخصیت محوری سیاوش نقش مهمی داشته است. همچنین داستان‌های مربوط به رستم همچنان رواج داشت» (فرای، ۱۳۶۵، ۵۰). در نهایت می‌توان گفت «هانری کربن با تأکید بر آنچه که او آن را امر ایرانی نامیده، تداوم را در قلمرو اندیشه ایرانی مورد بررسی قرار داده و می‌گوید که مفردات اندیشه فلسفی قرون باستانی ایران در قرون اسلامی تداوم پیدا کرده و بدین‌سان در گذر تاریخ فلسفه‌ای تدوین و تأسیس شده است که او به‌درستی آن را فلسفه ایرانی می‌خواند» (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۳۷). به عقیده گرابار عملاً اگر هر نقش‌مایه تزیینی به‌تنهایی مد نظر قرار گیرد هر واحد نقشه، هر یک از جزئیات ساختمان و هر نوع شیئی نمونه اولیه خود را در سنن قدیم‌تر خاور نزدیک و مدیترانه دارد (گرابار، ۱۳۷۹، ۲۲۹). به‌طور کلی در قرون اولیه اسلامی در ایران نیز این قاعده کلی حکم‌فرما بوده است که «هر هنرمندی به زبان اسلاف خویش سخن می‌گوید و مدت‌زمانی می‌گذرد تا به صدای خودش آغاز سخن کند» (هاوزر، ۱۳۸۲، ۲۴۸).

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

جدول ۲. نماد و اسطوره‌های کهن در ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی ایران

	شاخص‌ها	مظاهر	نمونه
نمادهای هندسی	دایره	خورشید، میترا	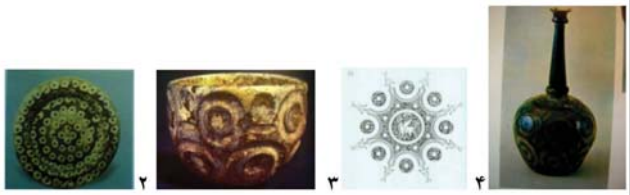 ۱ ۲ ۳ ۴
	مثلث	کوه، آتش، آناهیتا	۵ ۶ ۷
	تقسیم سه‌تایی	کردار، اندیشه و گفتار نیک	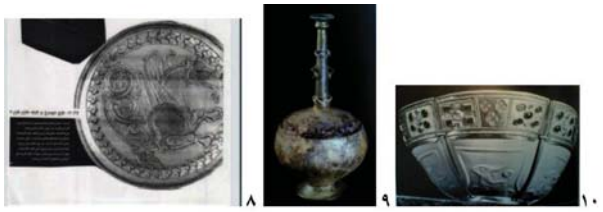 ۸ ۹ ۱۰
	خطوط هاشور و مورب	آب و زمین‌های زراعی	۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴
نمادهای گیاهی	درخت	درخت هزارتخمه، درخت زندگی	۱۵ ۱۶ ۱۷
	برگ و نیم‌برگ و اسلیمی	گردش جهان	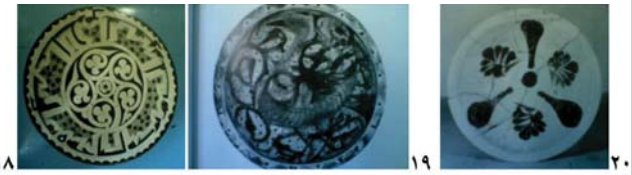 ۱۸ ۱۹ ۲۰
نمادهای حیوانی	شیر	قدرت، خورشید	۲۱ ۲۲

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

ادامه جدول ۲. نماد و اسطوره‌های کهن در ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی ایران

	شاخص‌ها	مظاهر	نمونه
نمادهای حیوانی	اسب	ایزد بهرام	۲۳ ۲۴
	خروس	سروش	۲۵ ۲۶ ۲۷
	دو جانور در روبه‌روی و یا پشت به‌هم	ایستایی جهان	۲۸ ۲۹ ۳۰
	سگ	همراهی معنوی	۳۱ ۳۲ ۳۳
	بز کوهی	آب و آناهیتا	۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷
	پلنگ	کشاورزی	۳۸
	ماهی	آب	۳۹

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

ادامه جدول ۲. نماد و اسطوره‌های کهن در ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی ایران

	شاخص‌ها	مظاهر	نمونه
نمادهای انسانی	حاکمان	جمشید و هوشنگ	۴۰ ۴۱ ۴۲
	شکارچیان	ایزد بهرام	۴۳ ۴۴
نمادهای اسطوره‌ای	آناهیتا	آب، باران، ابر، برف	۴۵ ۴۶ ۴۷
	سیمرغ	دانا، رازدان، آناهیتا	۴۸ ۴۹ ۵۰

منبع شکل‌ها: شکل ۱ (منبع: Blair & Bloom, 1991)؛ شکل ۲ (منبع: کلداشتاین، ۱۳۸۷، ۸۲)؛ شکل ۳ (منبع: Brend,1991)؛ شکل ۴ (منبع: کلداشتاین، ۱۳۸۷، ۷۵)؛ شکل ۵ (منبع: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹، ۵۳)؛ شکل ۶ (منبع: Grobar,1987, 122)؛ شکل ۷ (منبع: کیانی، ۱۳۷۹، ۴۷)؛ شکل ۸ (منبع: فریه، ۱۳۸۴، ۱۳۲)؛ شکل ۹ (منبع: فوکایی، ۱۳۷۱، ۸۰)؛ شکل ۱۰ (منبع: Dimand, 1937, 305)؛ شکل ۱۱ (منبع: موزه آبگینه)؛ شکل ۱۲ (منبع: کیانی، ۱۳۷۹، ۴۷)؛ شکل ۱۳ (منبع: کلداشتاین، ۱۳۸۷، ۸۳)؛ شکل ۱۴ (منبع: موزه آبگینه)؛ شکل ۱۵ (منبع: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹)؛ شکل ۱۶ (منبع: وارد، ۱۳۸۳، ۵۳)؛ شکل ۱۷ (منبع: وارد، ۱۳۸۳، ۵۶)؛ شکل ۱۸ (منبع: Grobar,1987, 119)؛ شکل ۱۹ (منبع: کیانی، ۱۳۷۹)؛ شکل ۲۰ (منبع: کامبخش‌فرد، ۱۳۷۹، ۵۳)؛ شکل ۲۱ (منبع: ناجی، ۱۳۸۰، ۶۷)؛ شکل ۲۲ (منبع: Grobar,1987, 137)؛ شکل ۲۳ (منبع: گرابار، ۱۳۷۹، ۱۳۴)؛ شکل ۲۴ (منبع: دیماند، ۱۳۶۵، ۸۷)؛ شکل ۲۵ (منبع: Brend,1991)؛ شکل ۲۶ (منبع: کیانی، ۱۳۷۹)؛ شکل ۲۷ (منبع: Dimand, 1937, 297)؛ شکل ۲۸ (منبع: وارد، ۱۳۸۳)؛ شکل ۲۹ (منبع: موزه ایران باستان)؛ شکل ۳۰ (منبع: موزه ایران باستان)؛ شکل ۳۱ (منبع: Brend,1991)؛ شکل ۳۲ (منبع: Brend,1991)؛ شکل ۳۳ (منبع: کیانی، ۱۳۷۹)؛ شکل ۳۴ (منبع: موزه ایران باستان)؛ شکل ۳۵ (منبع: کلداشتاین، ۱۳۸۷، ۹۵)؛ شکل ۳۶ (منبع: Dimand, 1937, 298)؛ شکل ۳۷ (منبع: Dimand, 1937, 305)؛ شکل ۳۸ (منبع: کارل، ۱۳۶۳، ۵۷)؛ شکل ۳۹ (منبع: احمد پناه، ۱۳۸۰، ۲۵)؛ شکل ۴۰ (منبع: وارد، ۱۳۸۳، ۱۱۵)؛ شکل ۴۱ (منبع: Grobar,1987, 127)؛ شکل ۴۲ (منبع: Blair & Bloom, 1991)؛ شکل ۴۳ (منبع: گرابار، ۱۳۷۹، ۱۳۴)؛ شکل ۴۴ (منبع: دیماند، ۱۳۶۵، ۸۷)؛ شکل ۴۵ (منبع: Grobar,1987, 135)؛ شکل ۴۶ (منبع: Dimand, 1937, 297)؛ شکل ۴۷ (منبع: کارل، ۱۳۶۳، ۵۶)؛ شکل ۴۸ (منبع: Dimand, 1937, 299)؛ شکل ۴۹ (منبع: کارل، ۱۳۶۳، ۵۶)؛ شکل ۵۰ (منبع: فریه، ۱۳۸۴، ۱۳۲).

منبع: نگارندگان

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

«به‌طور کلی در مسئله شناخت نقش و نگارهای اسلامی تفاوت نهادن میان نقوش کاملاً تزیینی با سمبل‌ها و اشاره‌ها و رموزی که هنرمند سعی نموده در قالب اشکال و طرح‌هایی خاص به بیننده القاء نماید تا توسط آن به بیان احساس و یا پیامی و ماجرایی بپردازد، به‌سختی صورت می‌گیرد. چه‌بسا وقایع و رخدادهای تاریخی و یا اسطوره‌ای که به‌صورت چند نقش مختصر در فضایی کوچک به نمایش درآمده‌اند» (وارد، ۱۳۸۳، ۵۳). «ایرانیان بی‌گمان فرهنگ کهن خویش را نگه داشتند اما اسلام را نیز پذیرفتند که برای ایشان پدیده‌ای شد بس بیشتر از یک دین شرعی و بدان بسیاری چیزها افزودند که تنها از روزگار کهن سرچشمه نمی‌گرفت» (فرای، ۱۳۶۳، ۱۶۳). «ایرانیان نه‌تنها پاره‌ای شدند از جهان اسلام بلکه تا دراز زمانی آن را رهبری می‌کردند و به آن جنبه فرهنگ و دین جهانی بخشیدند. تشبیه سرو را ایرانیان به کار می‌برند که در طوفان قابلیت انعطاف دارد، خم می‌شود و پس از آن باز راست قامت می‌شود» (فرای، ۱۳۶۳، ۱۶۵). در هر حال آن نوع انسجام شرعی و اخلاقی که اسلام به‌وجود آورد، نمی‌توانست واژگان هنری قدیم‌تر را بدون پذیرش پیچیدگی‌های معانی و در نتیجه از دست‌دادن بخشی از فردیت خود بپذیرد و نتیجهٔ آن ابهام و چندپهلویی بودن معنا است (گرابار، ۱۳۷۹، ۲۳۱). به عقیده فرای بخارا محل تقاطع سه جریان فرهنگی بود. فرهنگ‌های غرب ایران، اعراب مسلمان و شرق ایران و این امر باعث شکوفایی بخارا به‌عنوان مرکز فرهنگی در قرن ۴ هجری گشته بود (فرای، ۱۳۶۵، ۶۷).

نتیجه‌گیری

هنر اسلامی ایران نتیجه اندیشه و باورهای آن انسان‌هایی است که فرهنگی واحد داشته‌اند و بعداً این فرهنگ توسعه یافته و حکمرانان آنها نیز در خدمت خدای واحدی بوده‌اند. اولین چیزی که در مشخصه اسلامی جلب توجه می‌کند این است که این هنر به اشکال تجریدی به‌صورت گیاهان هندسی درمی‌آید. بسیاری از نمادهای مورد تقدس دین کهن مورد توجه دین اسلام نیز قرار داشت. از جمله می‌توان به نمادپردازی نور برای خرد و نیز تقدس آب و پاکیزگی و طهارت اشاره نمود.

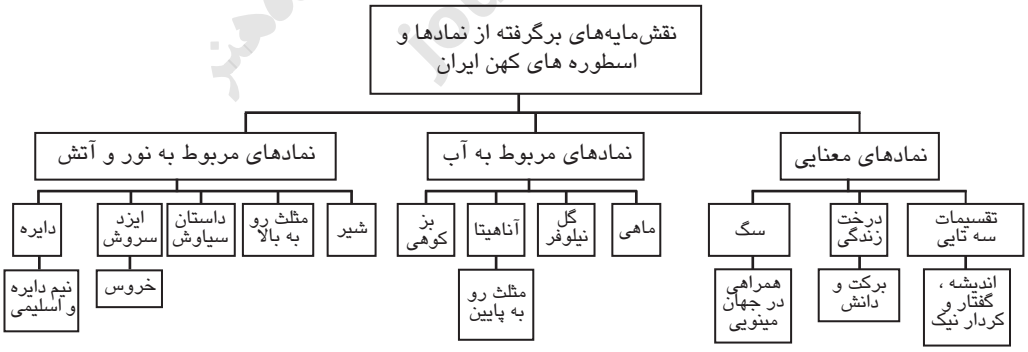

نمودار۱. نماد و اسطوره‌های کهن به‌کار رفته در اشیای خانگی قرون اولیه اسلامی تا قرن ۵ هجری ایران، منبع: نگارندگان

برخی نماد و اسطوره‌های کهن با ورود اسلام دچار تغییراتی شد. در این رابطه می‌توان به‌وفور نقش‌پردازی‌های شیر و گاو و عقاب در اشیای قبل از اسلام اشاره کرد که نمادهایی حاکی از قدرت و زندگی و به‌طور کلی نمادهایی زمینی‌اند. با این حال در اشیای قرون اولیه اسلامی این نمادپردازی‌ها کمتر شده و یا تعدیل یافته و به‌جای آنها نمادهای معنوی‌تر جایگزین شده است.

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

به‌عنوان مثال به‌جای نماد عقاب که از جمله نمادهای قدرت است وفور نماد کبوتر قابل توجه است که از نمادهای صلح است. از طرفی برخی نمادها به‌طور یکسان قبل و بعد از اسلام استفاده می‌شوند و مثال آن نمادهای مربوط به آب است که تقدس آن در آیین زرتشتی و نیز اسلام باعث تداوم و کثرت این‌گونه نمادها در قرون اولیه اسلامی است. از جمله نقوش انسانی می‌توان به آناهیتا اشاره کرد که به‌دلیل ارتباط با آب، مانند نقش‌پردازی‌های آن در ایران باستان و دوره ساسانی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

در هنر اسلامی، بیشتر آن بخش از هنرهای گذشته مورد استفاده قرار گرفته که جنبه تجریدی و سمبلیک داشته است، نظیر اسلیمی‌ها و نقوشی از این قبیل در تذهیب که ماده آنها حجاری‌های دوره ساسانی است و آنها را در تمدن اسلامی صورت دینی اسلامی خوانده‌اند. در نهایت در راستای پاسخ به پرسش تحقیق، می‌توان چگونگی جلوه‌گری و تأثیر نماد و اسطوره‌های کهن در طراحی و تزیین ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی ایران را در نمادهای زیر بیان نمود:

- **نمادهای هندسی**: دایره به‌دلیل مفاهیم عرفانی و اشاره به نور از نماد و اسطوره‌های کهن همچنان بر جا مانده بوده و در طراحی و نقش‌پردازی ظروف مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین از دایره چندضلعی‌های منتظم به‌وجود می‌آیند که در نقش‌پردازی‌های اسلامی بسیار کاربرد دارند. تقسیمات سه‌تایی نیز تحت اعتقاد به اندیشه، گفتار و کردار نیک در نقش‌پردازی‌ها دیده می‌شود. خطوط هاشور و مورب نیز از دیرباز نشان آب و زمین‌های زراعی بوده است که مخصوصاً در صراحی‌ها و پارچ‌ها که مایع در آنها قرار می‌گیرد نقش‌پردازی شده است.
- **نمادهای گیاهی**: نمادهای درخت و نیلوفر از جمله نمادهای گیاهی هستند که از این میان نماد و اسطوره‌های کهن ایرانی در قرون اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. درخت در برخی مواقع به‌صورت نماد درخت زندگی نقش‌پردازی شده است که دو جانور مخصوصاً پرنده در دو طرفش قرار دارند و نوع درخت آن معمولاً درخت‌های تاک، انجیر، زیتون و نخل با توجه بومی بودن آن در ایران است. وفور نقش‌پردازی‌های اسلیمی که در واقع پیچ و تاب‌های برگ‌ها و ساقه‌های گیاهان است و هم می‌توان آن را نقش گیاهی دانست و هم نقش هندسی که با دایره ارتباط دارد، بسیار مورد توجه بوده است.
- **نمادهای حیوانی**: بز کوهی ارتباط آن با آب و چون حیوان بومی ایران است همچنان از نماد و اسطوره‌های کهن ایران است که در طراحی ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی دیده می‌شود. همچنین خروس با ادغام باورهای مربوط به ایزد سروش و بانگ اذان همچنان مورد توجه است. به‌طور کلی گروه پرندگان بیش از سایر حیوانات نقش‌پردازی شده‌اند که می‌تواند به‌دلیل قابلیت پروازشان (که جنبه‌ای عرفانی دارد) باشد. اما نمادهایی مانند شیر و عقاب و گاو به‌دلیل جنبه زمینی بودنشان و تأکید آنها بر قدرت، کمتر مورد توجه بوده است زیرا در اندیشه اسلامی قدرت مطلق از آن خداوند است. اما نماد سگ به‌دلیل ارتباطی که در دین کهن با جهان مینویی دارد همچنان مورد توجه بوده است. مخصوصاً توجه به مفهوم مینویی نقش‌پردازی سگ از آنجا روشن می‌شود که معمولاً سگ در مرکز ترکیب‌بندی شعاعی قرار گرفته است. ماهی نیز به‌سبب ارتباطی که با آب دارد همچنان مورد توجه بوده است.
- **نمادهای انسانی**: در طراحی ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی کمتر دیده می‌شود، اما برخی از نقش‌پردازی‌های انسانی یافت شده است که به‌نظر می‌رسد تقلیدی از ظروف پیشین باشد مانند صحنه جلوس یا شکار شاهان.

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

- **نمادهای اسطوره‌ای**: سیمرغ و یا آناهیتا با ترکیبی از مفاهیم عرفانی همچنان نقش‌پردازی شده است. همچنین بسیاری از نمادهای هندسی، گیاهی و حیوانی ریشه در مفاهیم اسطوره‌ای دارند مانند اینکه برخی مواقع سر سیمرغ، سر سگ طراحی شده است و یا نمادهایی چون درخت زندگی و درخت هزارتخمه مفاهیمی اسطوره‌ای نیز هستند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نویسنده کتاب *فراگرد ارتباط* (نقل شده در محسنیان‌راد، ۱۳۸۲).
۲. نظریه ویکستروم در سال ۱۹۹۶ ارائه شد که در آن، نقش پایانی استفاده‌کننده برای پذیرش یا نپذیرفتن کالا پیشنهاد داده شده است (Wikstrom, 1996)، رساله دکتری ایشان در دانشگاه چالمرز سوئد مربوط به روش‌های ارزیابی در طراحی محصول است.
۳. مثلث‌سازی در واقع رویکردی است که در آن نه به یک نظریه خاص، بلکه به دو، سه و یا چند نظریه و دیدگاه گوناگون در کنار هم توجه می‌شود و در تحقیقات کیفی بسیار کاربرد دارد.
۴. امشاسپندان ایزدان مورد ستایش در ایران باستان که تعداد آنها ۶ عدد بوده است و واژه آن به معنی جاودانان مقدس است (آموزگار، ۱۳۸۴، ۱۵).
۵. مظهر توانایی، شکوه، سیطره و قدرت آفریدگار است. فلزات نماد زمینی او هستند (آموزگار، ۱۳۸۴، ۱۷).
۶. کیانیان اولین دوره پادشاهی در ایران هستند که قدمت آنها پس از دوره اساطیری پیشدادیان در ایران است (جنیدی، ۱۳۸۶، ۲۳). کیانیان جنگجو و پهلوانند (آموزگار، ۱۳۸۴، ۶۶).
۷. سوشیانس آخرین منجی در آیین زرتشتی است که در هزاره پایانی جهان ظهور می‌کند (آموزگار، ۱۳۸۴، ۸۶).
۸. ایزد یاری دهنده ایرانیان در جنگ‌ها (آموزگار، ۱۳۸۴، ۲۷).
۹. ایرانیان باستان ایزد سروش را پیام‌آورنده از سوی خداوند می‌دانستند. همچنین واژه آن به‌معنی اطاعت، فرمان‌برداری و انضباط است (آموزگار، ۱۳۸۴، ۲۹) لطف الهی بکند کار خویش/مژده رحمت برساند سروش (حافظ شیرازی).
۱۰. راستی و درستی در دین زرتشت (جنیدی، ۱۳۸۶، ۵) همچنین به‌معنی بخشش و پاداش (آموزگار، ۱۳۸۴، ۳۰).
۱۱. پلی که در رستاخیز انسان‌ها باید از روی آن رد شوند (جنیدی، ۱۳۸۶، ۷۴).

فهرست منابع

- آرام، احمد (۱۳۶۶)، *علم در اسلام*، انتشارات سروش، تهران.
- آسابرگر، آرتور (۱۳۷۹)، *نقد فرهنگی*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، انتشارات بان، چاپ اول، تهران.
- آموزگار، ژاله (۱۳۸۴)، *تاریخ اساطیری ایران*، انتشارات سمت، چاپ هفتم، تهران.
- احسانی، محمدتقی (۱۳۸۲)، *هفت‌هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- احمدپناه، سید ابوتراب (۱۳۸۰)، «زیبایی‌شناسی نقوش سفال نیشابور»، *هنرنامه*، شماره ۱۲، صفحه ۲۷-۵.
- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، جلد دوم، ترجمه مریم میراحمدی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۲)، *پژوهش در نام شهرهای ایران*، انتشارات روزنه، چاپ دوم.
- افشارمهاجر، کامران (۱۳۷۹)، «حضور نمادها در هنرهای سنتی ایران»، *نامه هنر*، شماره ۸، دانشگاه هنر تهران، ۵۱-۶۳.
- بارت، رولان (۱۳۸۴)، *اسطوره امروز*، ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان، نشر مرکز، چاپ سوم، تهران.
- بهشتی، سید محمد (۱۳۸۲)، «زیبایی و کاربرد در هنر سنتی»، *فصلنامه فرهنگستان هنر*، ۱۴۰-۱۴۵، تهران.
- بهنام، عیسی (۱۳۴۳)، «نقش هنرهای تزیینی در میان مردم قدیم ایران»، *مجله هنر و مردم*، ش ۲۵، ۴-۸.
- پرادا، ایدت (۱۳۸۳)، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- پیرنیا، حسن (۱۳۸۳)، *عصر اساطیری تاریخ ایران*، به اهتمام سیروس ایزدی، انتشارات هرمند، چاپ دوم.
- تقی، شکوفه (۱۳۹۰)، «نمادهای جانوری بخت در شاهنامه»، *مقالات کنفرانس بین‌المللی هزارمین سال سرایش شاهنامه فردوسی*، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی، ۳۴۹-۳۶۵، تهران.
- جابز، گرترود (۱۳۷۹). *سمبل‌ها*، کتاب اول، جانوران، ترجمه محمدرضا بقاپور، انتشارات کامیاب، تهران.
- جنیدی، فریدون (۱۳۸۶)، *زندگی و مهاجرت آرایایی‌ها*، نشر بلخ، تهران.
- خلج امیرحسینی، مرتضی (۱۳۸۷)، *رموز نهفته در هنر نگارگری*، کتاب آبان، تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۸)، *لغت‌نامه دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران.

http://Journal.art.ac.ir

سایت دانلود نشریات علمی - پژوهشی و تخصصی دانشگاه هنر

- دیماند، س. م. (۱۳۶۵)، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران.
- رید، هربرت (۱۳۸۸)، *معنی هنر*، ترجمه نجف دریابندری، انتشارت علمی و فرهنگی، تهران.
- زمانی، عباس (۲۵۳۵)، *تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی*، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران.
- طباطبایی، جواد (۱۳۷۵) *خواجه نظام‌الملک*، طرح نو، تهران.
- صبا، منتخب (۱۳۸۴)، *دایرةالمعارف هنرهای سنتی ایران*، جلد اول، انتشارات نور حکمت، تهران.
- ضیمران، محمد (۱۳۸۳)، *درآمدی بر نشانه‌شناسی هنر*، نشر قصه، چاپ دوم، تهران.
- فرای، ریچارد. ن (۱۳۶۳)، *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، انتشارات سروش، چاپ دوم.
- فریه، ره دبیلو (۱۳۸۴)، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، نشر فرزان، تهران.
- فوکایی، سینجی (۱۳۷۱)، *شیشه ایرانی*، ترجمه آرمان شیشه‌گر، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- کارل، جی دوری (۱۳۶۳)، *هنر اسلامی*، ترجمه رضا بصیری، انتشارات یساولی، تهران.
- کامبخش‌فرد، سیف‌الله (۱۳۷۹)، *سفال و سفالگری در ایران*، انتشارات ققنوس، تهران.
- کلداشتاین، سیدنی ام (۱۳۸۷)، *مجموعه هنر اسلامی (کارهای شیشه‌ای)*، ترجمه ناصر جلیلی، نشر کارنگ، تهران.
- کمبل، جوزف (۱۳۸۳)، *اساطیر مشرق‌زمین*، ترجمه علی‌اصغر بهزادی، انتشارات جوانه رشد، تهران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۹)، *پیشینه سفال و سفالگری در ایران*، نسیم دانش، تهران.
- کونل، ارنست (۱۳۷۶)، *هنر اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات مولی، تهران.
- گراب، ارنست و جورج میشل (۱۳۷۹)، *معماری جهان اسلام تاریخ و مفهوم اجتماعی آن*، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولی، تهران.
- گرابار، اولگ (۱۳۷۹)، *طراحی هنر اسلامی*، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- گوبران، آلن (۱۳۷۸)، *فرهنگ نمادها*، جلد اول، ترجمه سودابه فضایلی، انتشارات جیحون، تهران.
- لیک، گوندولین (۱۳۸۵)، *فرهنگ اساطیر شرق باستان*، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات طهوری، تهران.
- متز، آدام (۱۳۶۲)، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس اسلامی*، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۲)، *ارتباط‌شناسی*، انتشارات سروش، تهران.
- محمدی‌نژاد، فرامرز (۱۳۸۱)، *فرآیند طراحی محصول*، نشر بامداد کتاب، چاپ دوم، تهران.
- مددپور، محمد (۱۳۸۷)، *تجلیات حکمت معنوی در هنر اسلامی*، چاپ و نشر بین‌الملل، تهران.
- ناجی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *سامانیان دوره شکوفایی فرهنگ ایرانی-اسلامی*، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- وارد، ریچل (۱۳۸۳)، *فلزکاری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
- وایه، گاستون (۱۳۶۳)، *هنر اسلام در سده‌های نخستین*، ترجمه رحمان ساروبی، تهران (بی‌نا).
- ولف، هانس‌ای (۱۳۷۲)، *صنایع دستی کهن ایران*، ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.
- هال، جیمز (۱۳۸۳)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، چاپ دوم، تهران.
- هاوزر، آرنولد (۱۳۸۲)، *فلسفه تاریخ هنر*، ترجمه محمدتقی فرامرزی، انتشارات نگاه، تهران.
- هینلز، جان (۱۳۸۵)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر چشمه، چاپ دهم، تهران.
- هینلز، جان راسل (۱۳۸۸)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، انتشارات مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.

- Blair, Sheila and Bloom, J. M. (1991) *Image of Paradise in Islamic Art*, Hood Museum of Art, Hanover.
- Brend, Barbara (1991) *Islamic Art*, British Museum Press.
- Burdek, Bernhard (2005) *History and Practice of Product Design*, Birkhouser Press, London.
- Dimand, Ms. (1937) ''Studies in Islamic Ornament, 1. Some Aspects of Omaiyad and Early Abbasid Ornament'', *Art Islamic*, Vol. IV, 293, 337.
- GraBar, Olegy (1987) *The Formation of Islamic Art*, Yale University, New Haven and Landon.
- Krippendarff, K laus (1997) *Semantic qualities in Design*, Farm Diskurs, No. 11, 45, 50.
- Jamasp, D. H. (1997) *Vendidad*, Avesta Text with Pahlavi Translation and Commentary and Glossarial Index, Vol. 1. The Texts, Bombay, Ch. 13:3.
- Pilditch, James (1970) *Communication by design: A study in corporate Identity*, McGraw Hill. London.
- Wikstrom, L. (1996) *Methods for evaluating in products design*, PhD Thesis, (Swe. Den, Chalmers University of Technology).

http://Journal.art.ac.ir